ای عزيز دانا نامه ئی که بتاريخ ٢٧ماه می ١٩٠٦ مرقوم…

حضرت عبدالبهاء

Original English



## ٣١

ای عزيز دانا نامه ئی که بتاريخ ٢٧ماه می ١٩٠٦ مرقوم نموده بودی ملاحظه گرديد مضمون در نهايت ملاحت بود غايت مسرّت حاصل گشت.

سؤال نموده بوديد که آيا اين امر تازه زنده ممکن است که جای آئين مرده انگلستان گيرد و حال آنکه احزابی تشکيل شده که در مقامات ساميه علوم روحانيّه و قوای رحمانيّه بدرجات عاليه رسيده‌اند و در کمال ممتاز از جميع اسلاف شده‌اند با وجود اين ممکن است اين امر بديع در انظار چنين احزاب چنان جلوه نمايد که قلوب را جذب و کلّ را در ظلّ ظليلش جمع فرمايد.

ای يار عزيز بدان که فرد ممتاز هر عصر بحسب کمالات آن عصر است شخص ممتازی که در قرون سالفه بود بحسب قرون اولی بود امّا در اين عصر نورانی و در اين قرن رحمانی شخص جليل و کوکب منير و فرد ممتاز بقوّت و کمالاتی جلوه نمايد که عاقبت جميع احزاب را حيران کند و چون در کمالات روحانيّه و فضائل رحمانيّه فائق بر کلّ افراد است بلکه مرکز سنوحات رحمانيّه است و قطب دائرهء نورانيّه البتّه محيط است و شبهه ئی در آن نيست که چنان جلوه نمايد که کلّ را در ظلّ ظليل آورد.

و چون بدقّت نظر نمائی اين نظام و قانون را در جميع اشيا محقّق يابی کلّ جاذب جزء است و مرکز محورپرگار در دائره حضرت روح را ملاحظه نما که چون مرکز قوّه روحانيّه و مصدر سنوحات رحمانيّه بود هر چند در بدايت حال معدودی قليل را بظلّ خويش در آورد ولی من بعد بآن قوّه غالبه جميع احزاب را در ظلّ خيمه مسيحائی در آورد حال را قياس برماضی کن ببين چه قدر فرق دارد از اين ميتوانی قياس کنی و پی بحقيقت بری و يقين بنمائی.

اختلاف احزاب عالم از تفاوت ادراکاتست مادام قوای ادراکيّه مختلف البتّه آراء و افکار مختلف شود امّا اگر يک قوّه ادراکيّه کلّيّه ئی که محيط بر کلّ است بميان آيد آن آراء مختلفه متّفق گردد و الفت و يگانگی معنوی ظهورنمايد مثلا حضرت روح وقتيکه ظاهر شدند ادراکات خلق واحساسات و عقول طوائف موجوده مثل طايفه رومان يونان سريان اسرائيليان مختلف بود چون قوّه کلّيّه روح اللّه بميان آمد عاقبت بعد از سيصد سال جميع آراء مختلفه را در ظلّ مرکز واحد جمع نمود احساسات روحانيّه واحده حاصل گشت.

در مقام مَثَل ذکر ميکنم سپاه در تحت اداره سران عسکر که آراء مختلف دارند واقع البتّه در تعيين خطّ حرب و حرکت اختلاف نمايند ولی چون سردار کلّ که در فنون حرب ماهر بميان آيد جميع آن آراء مختلفه محو گردد و رأی واحد شود و سردار کامل کلّ را بظلّ اداره خويش آورد.

اين مقام مَثل است نه مِثْل حال اگر گوئی که سران اين لشکر هر يک متفنّن در فنون حرب و ماهر و مجرّب چگونه تمکين شخص واحد نمايند ولو جلوهء زايد الوصف نمايد اين سخن غير مسموع زيرا اين قضيّه يقين است و شبهه ئی در آن نيست.

وهمچنين مظاهر مقدّسه علی الخصوص حقيقت اسم اعظم جمال ابهی در انجمن عالم چون پرده براندازد مانند يوسف کنعانی در مصررحمانی بصباحت و ملاحتی جلوه نمايد که دلبران عالم را اسيرخويش فرمايد.

و امّا نفوسيکه در اين جهان تولّد يابند و لطيفه‌های نورانی هستند ولی از شدّت گرفتاری از فوائد کلّی محروم شوند و از اين عالم بروند حقيقتاً شايان تأسف است و نظر باين حکمت است که مظاهر کلّيّه در اين جهان کشف نقاب کنند و تحمّل هر مشقّت و بلا نمايد و خود را فدا فرمايند تا اين نفوس مستعدّه را مطالع انوار کنند و حيات ابديّه بخشند اينست قربانی حقيقی که حضرت مسيح خود را بجهت حيات عالم فدا نمود.

و امّا مسئلهء تأثير نفوس مقدّسه روحانيّه و امداد و فيوضات بخلق بعد از خلع قالب عنصری اين مسئله مسلّمه بهائيانست بلکه مظاهرمقدّسه الهيّه را فيض عظيم و نور مبين بعد از صعود از اين عالم است حضرت مسيح را اعلاء کلمه و ظهور قوّت الهيّه و تقليب نفوس زکيّه و اعطاء حيات ابديّه بعد از شهادت عظيمتر و بيشتر بود و همچنين جمال مبارک را بعد از صعود فيوضات بيشتر و سطوع انوار زيادتر وظهور قوّت الهيّه عظيمترو نفوذ کلمه شديدتر است و چندی نگذرد که شمس حقيقتش حرکت و حرارت و نورانيّت و موهبتش جميع آفاق را احاطه نمايد.

و امّا از قلّت ترقّی امر بهائی در آن مملکت مکدّر مباش اين بدايت طلوع است در امر حضرت مسيح ملاحظه نما که سيصد سال کشيد تا آنکه نفوذ عظيمه ظاهر گرديد حال از بدايت اين امر شصت سال نگذشته که انوارش بر جميع آفاق تابيده.

و امّا مجمع شفائی که تو از اعضاء آن هستی وقتيکه در ظلّ اين امر آيد قوّت نفوذش صد رتبه بر افزايد.

ملاحظه مينمائی که محبّت بهائيان بچه درجه است و اساس محبّت است همچنانکه قوّهء حبّ در بهائيان در نهايت کمال و ممتاز از ساير اديانست بهمچنين در جميع شئون چنين است زيرا اساس کلّ محبّت است.

و امّا مسئله ترجمه کتب و الواح جمال مبارک عنقريب در جميع لسان بمنتهای فصاحت و بلاغت مجری خواهد گرديد الواح حضرت بهآءاللّه وقتيکه مطابق اصل در نهايت بلاغت و فصاحت ترجمه شود انوار معانی آنوقت ساطع شود و جميع چشمها را روشن کند شما بقدر قوّه بکوشيد که ترجمه مطابق اصل باشد.

جمال مبارک بحيفا بسيار تشريف بردند و شما فائز گشتيد ولی آنوقت نميشناختيد و اميدوارم که بملاقات حقيقی فائز گردی و آن
مشاهده بديده بصيرتست نه بصر.

جوهر تعاليم حضرت بهآءاللّه محبّت جامعه است که شامل جميع فضائل عالم انسانيّه است و مورث حيات ابديّه و سبب ترقّی جميع
افراد بشر است عنقريب ملاحظه مينمائيد که اين تعاليم آسمانی مانند نور حقيقت جميع آفاق را احاطه و روشن نمايد.

مناجات مختصری که در آخر نامه نگاشتی فی الحقيقه بسيار بديع و لطيف و مليح و مُأثّر است هميشه تلاوت نما \*